



Lady Khadijah (pbuh) in the Mirror of History, Narrative, and Collective Memory

An Analytical Re-reading of Early Islamic Sources

Ramezam Rezayi¹ | Hanei Rasoly²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Civilization and Islamic Revolution, Faculty of Islamic Thought and Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rezayi@ut.ac.ir

2. MA Student, Department of History, Civilization and Islamic Revolution, Faculty of Islamic Thought and Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rasouli.hani@ut.ac.ir

Abstract

Despite the unparalleled role of Lady Khadijah (pbuh) at the outset of the Prophet Muhammad's (pbuh) mission, her character has consistently been represented in the historical memory of Muslims through religious narratives and diverse discursive contexts. The central concern of this study is to explore how the image of Lady Khadijah (pbuh) has been constructed within the collective memory of Muslims and to examine the influence of religious, cultural, and political dynamics on this process. The article argues that her representation extends beyond mere historical accounts and instead reflects discursive, ritual, and socio-political developments across different periods of Islamic history. Employing an analytical-critical method and grounded in early Islamic sources, the study adopts Maurice Halbwachs' theory of collective memory as its theoretical framework. Findings demonstrate that within Sunni memory, Khadijah (pbuh) is portrayed as a loyal and supportive figure. In contrast, in Shi'i memory, she is elevated to a sacred and central role in the continuity of the Imamate. Moreover, Orientalist scholarship has, in some cases, converged with Muslim religious memory by presenting a rational and positive image of her, thereby opening the door for comparative and inter-sectarian studies on the role of women in early Islam.

Keywords: Historical Discourse Analysis, Collective Memory, Khadijah bint Khuwaylid, Comparative Representation.

Introduction

Lady Khadijah (pbuh), the first woman to embrace Islam and the Prophet Muhammad's (pbuh) loyal wife, occupies a unique position in early Islamic history. Through her financial, social, and emotional support, she provided the essential foundation for the spread of Islam during its formative years. Yet, her image has not remained static. Instead, it has been reinterpreted over time, influenced by shifting religious, cultural, and political contexts. According to Maurice Halbwachs' theory of collective memory, societies reconstruct the past in line with present needs and discursive frameworks. Thus, revisiting early Islamic sources with a memory-based perspective allows for a deeper understanding of how Khadijah (pbuh) has been remembered, reimagined, and symbolically integrated into the historical consciousness of Muslims.

Research Findings

The study's analysis of early Sunni and Shi'i sources reveals distinct trajectories in the remembrance of Lady Khadijah (pbuh). Sunni traditions emphasise her economic partnership with the Prophet, her role as a devoted spouse, and her unwavering support during the early years of the prophetic mission. However, this memory is not monolithic and often contains diverse—and at times mythical—narrative elements. In contrast, Shi'i sources construct a more unified and sacred portrayal, presenting Khadijah (pbuh) as a visionary believer, a partner in the Prophet's mission, and a precursor to the continuity of the Imamate. Beyond Islamic sources, Orientalist



scholars have also highlighted her exceptional role, often framing her as a rational, influential, and positive figure whose presence was central to the consolidation of Islam. Together, these perspectives indicate that Khadijah (pbuh) has been remembered not only as a historical figure but also as a cultural and religious symbol embedded in the collective memory of Muslim communities.

Conclusion

This research demonstrates that the image of Lady Khadijah (pbuh) in the collective memory of Muslims is the outcome of an interplay between historical narrative and cultural reconstruction. While Sunni memory often highlights her practical and supportive role, Shi'i memory presents her as a sacred figure tied to the Imamate and the spiritual continuity of Islam. Such differences affirm that collective memory functions not as a passive reflection of the past but as an active process of identity formation and meaning-making. Moreover, the convergence of specific Orientalist interpretations with Muslim memory underscores her enduring significance as both a historical agent and a symbolic figure. Ultimately, Khadijah's (pbuh) presence in historical, ritual, and cultural memory offers valuable insights into the dynamics of gender, faith, and authority in early Islam, underscoring the necessity of comparative studies on women's roles in religious history.

Cite this article: Rezayi, R., & Rasoly, H. (2025). Lady Khadijah (pbuh) in the Mirror of History, Narrative, and Collective Memory: An Analytical Re-reading of Early Islamic Sources. *Religions and Mysticism*, 58 (1), 81-100. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrm.2025.396873.630622>



Article Type: Research Paper

Received: 9-Jun-2025

Received in revised form: 1-Jul-2025

Accepted: 29-Jul-2025

Published online: 20-Sep-2025



حضرت خدیجه (س) در آینه تاریخ، روایت و حافظه جمعی

بازخوانی تحلیلی در منابع سده‌های نخست اسلامی

رمضان رضایی^۱ | هانیه رسولی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezayi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rasouli.hani@ut.ac.ir

چکیده

با وجود جایگاه بی‌بدیل حضرت خدیجه (س) در آغاز رسالت پیامبر اکرم (ص)، بازنمایی شخصیت او در حافظه تاریخی مسلمانان همواره تحت تأثیر روایت‌های مذهبی و زمینه‌های گفتمانی گوناگون قرار گرفته است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی چگونگی شکل‌گیری تصویر حضرت خدیجه (س) در حافظه جمعی مسلمانان و بررسی تأثیر جریان‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی بر این بازنمایی است. پرسش محوری آن است که چگونه سنت‌های روایی شیعه و اهل سنت به بازآفرینی متفاوتی از شخصیت حضرت خدیجه (س) دست زده‌اند و این تفاوت‌ها چه نسبتی با حافظه جمعی مسلمانان دارد. مدعای مقاله آن است که بازنمایی حضرت خدیجه (س) فراتر از گزارش‌های تاریخی بوده و بازتابی از تحولات گفتمانی، سیاسی و آیینی دوره‌های مختلف اسلامی محسوب می‌شود. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-انتقادی و بر پایه منابع سده‌های نخست هجری، ضمن بهره‌گیری از نظریه حافظه جمعی مورس هالبواکس، به مقایسه تطبیقی حافظه شیعی و سنی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حافظه اهل سنت، خدیجه (س) به‌عنوان زنی وفادار، حامی و انسانی نزدیک به پیامبر اکرم (ص) معرفی شده، حال آنکه در حافظه شیعی، او سیمایی قدسی و محوری در استمرار امامت یافته است. علاوه بر این، نگاه مستشرقان نیز در برخی موارد همسو با حافظه مسلمانان، تصویری مثبت و عقلانی از وی ارائه کرده‌اند. این نتایج امکان گسترش مطالعات تطبیقی درباره جایگاه زنان در تاریخ اسلام را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان تاریخی، حافظه جمعی، خدیجه بنت خویلد، بازنمایی تطبیقی.

استناد: رضایی، رمضان، و رسولی، هانیه (۱۴۰۴). حضرت خدیجه (س) در آینه تاریخ، روایت و حافظه جمعی: بازخوانی تحلیلی در منابع سده‌های نخست اسلامی. ادیان و عرفان، ۵۸ (۱)، ۸۱-۱۰۰.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrm.2025.396873.630622>



مقدمه

حضرت خدیجه (س) بنت خویلد یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در تاریخ اسلام است که نقش او در آغاز نهضت پیامبر اکرم (ص) بی‌نظیر و غیرقابل انکار است. او نخستین زن مسلمان و اولین کسی بود که به رسالت پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد و با حمایت‌های مالی، عاطفی و اجتماعی‌اش زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش اسلام در دوران آغازین را فراهم نمود (ابن سعد، ج ۳، ص ۱۵).

از منظر تاریخی، حضرت خدیجه (س) زنی برجسته و تاجری موفق در مکه بود که نفوذ اجتماعی و اقتصادی بسیار داشت. این جایگاه، نه تنها باعث تقویت موقعیت پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با مخالفت‌ها شد، بلکه به وی امکان داد تا رسالت خود را بدون دغدغه مالی ادامه دهد (طبری، ج ۲، ص ۲۸۳). اهمیت جایگاه حضرت خدیجه (س) زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم در شرایطی که بسیاری از مردم مکه پیامبر اکرم (ص) را انکار و تحقیر می‌کردند، حضرت خدیجه (س) نخستین و وفادارترین حامی او بود که حتی تمامی ثروت خود را برای پشتیبانی از این نهضت صرف کرد (بیهقی، ج ۱، ص ۱۹).

با این حال، مرور منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد که تصویر حضرت خدیجه (س) در «حافظه جمعی»^۱ مسلمانان در طول قرون متمادی دچار تغییر و تحولات مختلفی شده است؛ تغییراتی که متأثر از شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی هر دوره بوده‌اند. نظریه حافظه جمعی که توسط مورخانی همچون موریس هالباواکس^۲ ارائه شده، بیان می‌کند که حافظه تاریخی هر جامعه پدیده‌ای پویا و متغیر است که با نیازها و دغدغه‌های اجتماعی تغییر می‌کند (Halbwachs, 1992). از این رو، مطالعه تطبیقی و تحلیلی منابع تاریخی و روایی درباره حضرت خدیجه (س) می‌تواند به درک بهتر فرآیند شکل‌گیری و بازتولید تصویر وی در تاریخ اسلام کمک کند.

این پژوهش با هدف بازخوانی تحلیلی جایگاه حضرت خدیجه (س) در منابع سده‌های نخست اسلامی و بررسی نحوه انعکاس او در حافظه جمعی مسلمانان تدوین شده است. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: چگونه تصویر حضرت خدیجه (س) در متون تاریخی و روایی نخستین اسلام شکل گرفته و در حافظه جمعی مسلمانان حفظ و منتقل شده است؟

همچنین پرسش‌های فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. جایگاه حضرت خدیجه (س) در منابع تاریخی سده‌های اول و دوم هجری چگونه بازنمایی شده است؟

¹. collective memory

². Maurice Halbwachs

۲. آیا روایت‌های مربوط به زندگی و شخصیت حضرت خدیجه (س) در طول زمان دستخوش تغییرات یا تحریف‌هایی شده‌است؟

۳. نقش حافظه جمعی در انتقال و گاه تحریف تصویر حضرت خدیجه (س) چیست؟

۴. عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی مؤثر در شکل‌گیری این حافظه جمعی چه بوده‌اند؟

روش این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است و با اتکا به منابع معتبر تاریخی و روایی چون «طبقات ابن سعد»، «تاریخ طبری»، «دلائل النبوة بیهقی»، «سیره ابن هشام» و همچنین نظریه حافظه جمعی که توسط مورخانی همچون موریس هالبواکس ارائه شده انجام می‌شود. اهمیت این تحقیق در آن است که شناخت دقیق و علمی جایگاه حضرت خدیجه (س)، نه تنها به بازسازی درست هویت تاریخی این شخصیت مؤثر کمک می‌کند، بلکه می‌تواند تصویری جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از نقش زنان در تاریخ اسلام ارائه نماید.

پیشینه پژوهش و ضرورت تحقیق

مطالعه شخصیت حضرت خدیجه (س) در پژوهش‌های تاریخی و دینی، بیشتر در قالب فضائل، خصال اخلاقی و جایگاه معنوی او در اسلام بررسی شده‌است. در منابع متقدم مانند طبقات الکبری (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۳)، الاستیعاب (ج ۴، ص ۱۸۲۴) و شرح الأخبار (ج ۳، ص ۲۰)، اطلاعاتی درباره نسب، زندگی اقتصادی، حمایت از پیامبر اکرم (ص)، و منزلت ایشان در بهشت آمده‌است، اما این اطلاعات عمدتاً توصیفی و خالی از تحلیل اجتماعی-فرهنگی هستند.

در حوزه پژوهش‌های معاصر نیز آثاری به بررسی شخصیت حضرت خدیجه (س) پرداخته‌اند، ولی اغلب فاقد تمرکز روشمند بر «حافظه جمعی تاریخی» هستند. به‌طور نمونه:

۱. بررسی نظرات مورخان درباره مادر مؤمنان خدیجه کبری (علیها السلام)

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/579c660825f391eef0da3499d0dde6f4>

نگارش: امیره علی عباس عباس

در پژوهشی با عنوان «بررسی نظرات مورخان درباره مادر مؤمنین حضرت خدیجه (س) کبری (علیها السلام)»، به تحلیل زندگی‌نامه، جایگاه دینی و اجتماعی، و نقش حضرت خدیجه (س) در حمایت از پیامبر اکرم (ص) پرداخته شده‌است. این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه‌های مورخان درباره فضائل، جهاد، و مشارکت حضرت خدیجه (س) در نهضت اسلامی انجام شده و بر اهمیت الگوبرداری زنان مسلمان از شخصیت ایشان تأکید دارد. نویسنده با رویکردی تاریخی، تلاش کرده تصویری روشن از جایگاه حضرت خدیجه (س) در دعوت نبوی ارائه دهد و نشان دهد که او نه یک شخصیت حاشیه‌ای، بلکه یکی از ارکان اولیه اسلام بوده‌است. به باور پژوهشگر، حضور فعال حضرت خدیجه (س) در شکل‌گیری جامعه اسلامی و حمایت بی‌دریغ او از پیامبر اکرم (ص)، جایگاهی بی‌بدیل برای او در حافظه دینی مسلمانان رقم زده‌است.

۲. حضرت خدیجه (س) در منابع اهل تسنن

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه (س) جلد سوم سال انتشار: ۱۳۹۶
نگارش: معصومه بهرامی

کتب اصلی اهل تسنن مطالب بسیاری درباره شخصیت اعتقادات و عملکرد حضرت خدیجه (س) نوشته. اند به طور کلی کتب معتبری چون صحیحین کتب تاریخی و تفسیری همه در مورد این بانوی بزرگ اسلام سخن گفته‌اند آن حضرت از چنان جایگاه و موقعیتی در اسلام برخوردار بود که فکر و عقل سلیم و همچنین مکاتب مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته‌اند از ذکر فضایل او چشم‌پوشی کنند البته در مواردی نسبت به این شخصیت ارزشمند جهان اسلام کم‌لطفیهایی دیده می‌شود که بخشی از آن به دلیل نگرش مغرضانه به آن حضرت و بیشتر به جهت بیتوجهی و یا گاهی بالا بردن جایگاه بقیه زنان پیامبر اکرم (ص) بوده‌است.

۳. فضایل حضرت خدیجه (س) در منابع اهل سنت

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه (س) جلد سوم سال انتشار: ۱۳۹۶
نگارش: روح الله باقر

حضرت خدیجه (س) این بانوی بزرگ، اسلام اولین زن مسلمان دارای عظمت و شأن بالا نزد پیامبر اکرم (ص) بود از آن جایی که به فضایل این بانوی بزرگ، کمتر توجه شده و یا حتی در حق این بانو در بعضی از موارد ظلم شده‌است در این مقاله به طور مختصر از فضایل آن حضرت از کتب اهل سنت مواردی ذکر می‌گردد؛ از جمله سلام خداوند و جبرئیل برایشان بشارت بهشت و خانه در بهشت برای حضرت خدیجه (س) الله، و از جمله با فضیلت‌ترین زنان بهشت بهترین زن دو جهان یاد کردن زیاد پیامبر اکرم (ص) از این بانوی بزرگ و خشم پیامبر اکرم (ص) از مذمت حضرت خدیجه (س). این موارد حاکی از شان و عظمت آن بانوی بزرگ نسبت به دیگر همسران پیامبر اکرم (ص) است که همسران دیگر پیامبر اکرم (ص) فاقد این تعابیر هستند این، مقاله هم چنین برتری این بانوی بزرگ اسلام را بر دیگر همسران پیامبر اکرم (ص) به اثبات می‌رساند.

۴. تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه (س)

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه (س) جلد سوم سال انتشار: ۱۳۹۶
نگارش: سید محمد حسین جلال زاده میبدی

برخی کتابهای روایی و تاریخی در تلاش برای کاستن از جایگاه و نقش حضرت خدیجه (س) در تاریخ اسلام هستند. مقاله حاضر ابتدا به گونه ای گذرا به چهار نمونه تلاش برای زدودن فضایل ایشان اشاره می‌کند سپس به شش نمونه از موارد تحریف تاریخ درباره ایشان می‌پردازد که شوربختانه به غلط شهرت نیز یافته‌است مانند کتمان یکتاپرستی ایشان پیش از بعثت ادعای دوبار ازدواج ایشان پیش از ازدواج با پیامبر اکرم (ص) و مصاهرت بین خلیفه سوم و ایشان بازتاب کمرنگ پشتیبانی مالی حضرت خدیجه (س) از اسلام درگذشت ایشان در کهن سالی و ایجاد ابهام در تاریخ دقیق هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه.

این موارد گاه مخالف مبانی کلامی و روایات فریقین و اسناد تاریخی است و به اخبار مرسل یا گزاره‌های مورد اعراض دانشمندان اسلامی و اخبار معارض تکیه دارد. فراین متعددی دال بر جعل این اخبار و تناقض موجود میان آنها در دست است.

بنابراین، پژوهش حاضر در تمایز با این آثار، با تکیه بر رویکرد بین‌رشته‌ای تلفیقی (شامل تاریخ‌نگاری، نظریه روایت، و حافظه جمعی)، در صدد است بازنمایی شخصیت حضرت خدیجه (س) را نه تنها در بستر تاریخی زندگی ایشان، بلکه در فرایند ساخته‌شدن تصویر او در حافظه جمعی مسلمانان از سده‌های نخست تا شکل‌گیری هویت دینی، تحلیل کند. این رهیافت تحلیلی و انتقادی به منابع تاریخی و روایی، امکان بازسازی لایه‌های معنایی پیچیده‌تری از نقش اجتماعی، اقتصادی و معنوی حضرت خدیجه (س) را فراهم می‌آورد.

همچنین از آن‌جا که نظریه حافظه جمعی (براساس آرای مورخان و جامعه‌شناسانی چون موریس هالبواکس، یان آسمن و پائول ریکور) به بررسی نحوه بازتولید ذهنی تاریخ در جوامع می‌پردازد، استفاده از آن در خوانش منابع اسلامی نخستین، می‌تواند سطحی عمیق‌تر از تحلیل را فراهم آورد که در پژوهش‌های پیشین غایب بوده است.

مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق

مبانی نظری

مطالعه تاریخی شخصیت‌های صدر اسلام، به‌ویژه زنان برجسته‌ای چون حضرت خدیجه (س)، دیگر نمی‌تواند صرفاً در چهارچوب سنتی تاریخ‌نگاری توصیفی محدود شود. برای درک نقش این شخصیت در تحولات دینی، اجتماعی و حافظه فرهنگی مسلمانان، نیاز به چارچوبی نظری فراتر از صرف گزارش وقایع داریم. در این راستا، دو مفهوم کلیدی چارچوب نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهند:

حافظه جمعی

مفهوم «حافظه جمعی» نخستین بار توسط جامعه‌شناس فرانسوی، موریس هالبواکس، در نیمه اول قرن بیستم مطرح شد. هالبواکس تأکید می‌کرد که حافظه، برخلاف آنچه تصور می‌شود، صرفاً پدیده‌ای فردی و روان‌شناختی نیست، بلکه در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. به تعبیر او، حافظه جمعی فرایندی است که طی آن گروه‌های اجتماعی، گذشته را بر اساس نیازها و ساختارهای معنایی زمان حال بازسازی و باز معنا می‌کنند؛ بدین ترتیب، گذشته‌ای که به یاد آورده می‌شود، الزماً بازتاب دقیقی از واقعیت تاریخی نیست، بلکه محصولی از بازنمایی‌های فرهنگی، هویتی و روایی آن گروه است. حافظه جمعی با حافظه فردی تفاوت بنیادی دارد. در حالی که حافظه فردی بر تجربه زیسته و شخصی فرد استوار است، حافظه جمعی از طریق نهادهای اجتماعی مانند زبان، آیین، روایت، آموزش، دین و رسانه‌ها بازتولید می‌شود و طی نسل‌ها منتقل می‌گردد. این حافظه، عنصری

کلیدی در شکل‌گیری هویت جمعی، مشروعیت تاریخی و انسجام فرهنگی به شمار می‌رود. از این‌رو، تحلیل حافظه جمعی در مطالعات تاریخی، به‌ویژه در بررسی چهره‌هایی چون حضرت خدیجه (س)، امکان می‌دهد تا دریابیم چگونه بازنمایی یک شخصیت فراتر از گزارش‌های تاریخی، به بخشی از حافظه فرهنگی و دینی جامعه بدل شده و در چه بستری بازسازی شده‌است. (Halbwachs, On Collective Memory, 1992).

اندیشمندانی چون یان آسمن^۳ مفهوم حافظه فرهنگی را گسترش داده‌اند و به بررسی چگونگی بازتاب شخصیت‌های محوری در شکل‌گیری هویت دینی و تاریخی پرداخته‌اند. حضرت خدیجه (س)، در این چارچوب، تنها یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه عنصری هویتی در حافظه جمعی مسلمانان به شمار می‌رود.

روایت تاریخی و بازنمایی

مطالعه تاریخ صدر اسلام، به‌ویژه در منابع سده‌های نخست، نیازمند فهم سازوکار «روایت‌گری تاریخی» است. پل ریکور^۴ در نظریه خود درباره «زمان و روایت» تأکید دارد که تاریخ‌نگاری صرفاً بازتابی از وقایع گذشته نیست، بلکه همواره متأثر از پیش‌فرض‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و زبانی راویان است (Ricoeur, Time and Narrative, 1984).

از این‌رو، بررسی شخصیت حضرت خدیجه (س) در منابعی مانند تاریخ طبری، سیره ابن اسحاق، الأنوار، شرح الأخبار و ... باید با دقتی دوگانه انجام گیرد: از یک‌سو تحلیل تاریخی داده‌ها، و از سوی دیگر واکاوی نحوه بازنمایی و روایت آن‌ها.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌لحاظ رویکرد، تاریخی - تفسیری و به‌لحاظ هدف، تحلیل کیفی منابع اولیه است. در این پژوهش، منابع سده‌های نخست اسلامی شامل آثار طبری، ابن اسحاق، ابن سعد، بیهقی، قاضی نعمان، بلاذری، ابن حبان، یعقوبی، ابن هشام و ... با رویکردهای زیر بررسی شده‌اند:

۱. تحلیل حافظه تاریخی؛ بازتاب حضرت خدیجه (س) در لایه‌های مختلف حافظه جمعی و فرهنگی (خطبه‌ها، ادبیات، منابع تاریخی) بررسی می‌گردد.

۲. مقایسه تطبیقی بین منابع؛ برای یافتن تغییر یا ثبات در بازنمایی شخصیت حضرت خدیجه (س) بین منابع سنی و شیعی.

3. Jan Assmann

4. Paul Ricoeur

جامعه پژوهش و ابزار گردآوری داده

جامعه پژوهش در این در این مقاله منابع تاریخی، حدیثی، سیره نگارانه و ادبی از سده های دوم تا پنجم هجری است.

ابزار گردآوری این پژوهش فیش برداری، تحلیل متن، دسته بندی روایات، و تحلیل محتوای کیفی با نرم افزارهایی مانند نور السیره و بررسی ارجاعات تاریخی در نسخه های چاپی و تصحیح شده منابع معتبر است.

تحلیل تاریخی جایگاه حضرت خدیجه (س) در بستر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مکه

مکه پیش از اسلام؛ بافت قبیله ای و موقعیت اقتصادی

شهر مکه، در قرن ششم میلادی، به واسطه موقعیت جغرافیایی خاص خود در میان راه های تجاری جنوب به شمال عربستان، به نقطه ای محوری در شبکه های بازرگانی تبدیل شده بود. اهمیت مکه نه تنها در کعبه و آیین های مذهبی عرب جاهلی ریشه داشت، بلکه به دلیل تمرکز اقتصادی و حضور خاندان های قدرتمند قریش، به ویژه بنی هاشم، بنی امیه، بنی مخزوم و عبدالدار، نقش تعیین کننده ای در روندهای اجتماعی و اقتصادی شبه جزیره داشت (ابن هشام ج ۱، ص ۱۳۴)

ساختار قبیله ای مکه مبتنی بر شرافت نسب، ثروت و قدرت بود. موقعیت اجتماعی افراد نه بر پایه فردیت، بلکه بر اساس انتساب به یک قبیله و پیوندهای خانوادگی تعریف می شد. زنان در این ساختار، بسته به موقعیت خانوادگی خود، ممکن بود از جایگاه برجسته ای برخوردار شوند. برخی زنان، از جمله حضرت خدیجه (س) بنت خویلد، موفق به کسب نفوذ اقتصادی و حتی جایگاه اجتماعی شدند، که نمونه ای استثنایی در آن زمان محسوب می شود (ابن سعد ج ۸، ص ۱۳ تا ۲۱ یعقوبی ج ۲، ص ۲۰) با توجه به اینکه نظام قریش مبتنی بر تقسیم کار قبیله ای و شبکه های خویشاوندی بود، حضرت خدیجه (س) در چنین ساختاری توانست با اتکا به اصل و نسب شریف خود و با تکیه بر مدیریت تجاری، حضوری مؤثر در صحنه اقتصادی مکه داشته باشد. این امر تنها با وجود ظرفیت های فردی، هوش اقتصادی و حمایت اجتماعی خاندان وی ممکن بود (بالذری ج ۱، ص ۹۷)

شالوده اقتصادی زندگی حضرت خدیجه (س) بنت خویلد پیش از ازدواج

مطابق با روایات قدیمی، حضرت خدیجه (س) بنت خویلد از طریق ارثیه پدری و سرمایه گذاری های موفق، به یکی از ثروتمندترین تجار قریش بدل شد. به تصریح ابن سعد و ابن اسحاق، او سرمایه خود را با هوشمندی در تجارت شام، یمن و حبشه به گردش درمی آورد. نکته قابل توجه آن است که وی برخلاف زنان هم عصر خود، نه تنها مالک سرمایه بود، بلکه کاروان هایی را نیز تحت مدیریت خود به سفر می فرستاد و نمایندگانی را به نیابت از خویش برمی گزید (ابن سعد، همان؛ ابن اسحاق، ص ۸۱).

بنابراین، حضرت خدیجه (س) نه فقط به عنوان یک زن ثروتمند، بلکه به عنوان یک «عامل فعال اقتصادی» در سپهر تجاری آن دوران شناخته می شد. لقب «سیده نساء قریش» یا «طاهره»، که در منابع مختلف برای وی آمده، نشان از احترام و اعتبار اجتماعی او دارد (ابن عبد البر، ج ۴ ص ۱۸۱۷). کارگزاری های تجاری پیامبر اکرم (ص) در تجارت شام تحت سرپرستی حضرت خدیجه (س)، خود مؤیدی بر جایگاه اقتصادی ممتاز اوست.

زمینه های ازدواج پیامبر اکرم (ص) و حضرت خدیجه (س): فراتر از پیوند شخصی

حضرت خدیجه (س)، نخستین زنی بود که با پیامبر اکرم (ص) ازدواج کرد (ابن قتیبہ دینوری، ص ۱۳۲) و به مدت بیست و پنج سال همسر او بود. زمان این ازدواج را حدود پانزده سال پیش از بعثت یا اندکی پیش تر دانسته اند و گفته شده که این واقعه دو ماه و بیست و پنج روز پس از بازگشت رسول خدا از سفر شام رخ داده است. خطبه عقد را ابوطالب خوانده است (طبری مامطیری، ص ۱۰۹).

بر اساس روایتی، ابوطالب به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد کرد که برای تجارت نزد حضرت خدیجه (س)، که زنی تاجر بود، برود (ابن سعد ج ۱، ص ۱۰۵). در ادامه این روایت، آمده است که حضرت خدیجه (س) از این پیشنهاد مطلع شد و خود به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد داد که با پرداخت دو برابر حق الزحمه دیگران، با او همکاری کند (همان). برخی نیز گفته اند که حضرت خدیجه (س) به دلیل آگاهی از درستکاری و امانت داری محمد (ص)، پیشنهاد همراهی در سفر شام را به او داد (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۲۱). در این سفر، میسرہ غلام حضرت خدیجه (س) نیز همراه پیامبر اکرم (ص) بود و حضرت خدیجه (س) به او توصیه کرده بود که در برابر دستورات و نظرات پیامبر اکرم (ص) مخالفتی نکند (ابن سعد، همان، ص ۱۰۵). این سفر با موفقیت همراه بود و میسرہ پس از بازگشت، از حسن رفتار و امانت داری پیامبر اکرم (ص) برای حضرت خدیجه (س) سخن گفت و این امر موجب علاقه مندی حضرت خدیجه (س) به ایشان شد. حضرت خدیجه (س) از طریق افرادی، نظر ظرا درباره ازدواج جويا شد و چون پیامبر اکرم (ص) پذیرفت، عموياش، حمزه و ابوطالب، از عموی حضرت خدیجه (س)، عمرو بن اسد، برای او خواستگاری کردند و این ازدواج صورت گرفت (همان).

طبق روایتی دیگر، حضرت خدیجه (س) پس از بازگشت پیامبر اکرم (ص) از سفر شام، خود به او پیشنهاد ازدواج داد و دلیل این تمایل را خویشاوندی، امانت داری، خوش اخلاقی و راست گویی پیامبر اکرم (ص) عنوان کرد (ابن هشام، همان، ص ۱۲۲). با وجود تفاوت سنی میان آن دو، این ازدواج از جنبه های مختلف برای هر دو طرف سودمند بود: برای حضرت خدیجه (س) موجب تقویت وجهه دینی و جایگاه اجتماعی، و برای پیامبر اکرم (ص)، سبب برخورداری از پشتوانه مالی و منزلتی در میان قریش شد. این پیوند، علی رغم تفاوت طبقاتی و سنی، نمونه ای کم نظیر از اتحاد دو سرمایه انسانی و اخلاقی در تاریخ اجتماعی مکه به شمار می رود.

حمایت بی‌نظیر حضرت خدیجه (س) از پیامبر اکرم (ص) و تثبیت دعوت اسلامی

با نزول نخستین وحی، پیامبر اکرم (ص) در حالی به خانه بازگشت که نیازمند آرامش و پشتیبانی بود. حضرت خدیجه (س)، بی‌درنگ، وی را دل‌داری داد و نخستین فردی بود که به نبوت او ایمان آورد. طبق نقل مشهور، گفت: «به خدا سوگند، خداوند تو را هرگز خوار نخواهد کرد؛ تو صله رحم می‌کنی، یتیم‌نواز و دستگیر درماندگانی» (ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بیهقی، ج ۲، ص ۴۷).

نقش حضرت خدیجه (س) تنها محدود به باور نبود، بلکه او تمامی ثروت خویش را در اختیار پیامبر اکرم (ص) نهاد تا مسیر دعوت اسلامی را هموار کند. به تصریح بلاذری و ابن سعد، دارایی حضرت خدیجه (س) در روزهای شعب ابی‌طالب مهم‌ترین پشتوانه پیامبر اکرم (ص) بود (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۰؛ بلاذری، ص ۴۰۸). در روایتی دیگر، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌است: «حضرت خدیجه (س) در زمانی به من ایمان آورد که مردم من را تکذیب کردند، و به من مال داد هنگامی که مردم مرا محروم کردند» (بیهقی، ج ۲، ص ۴۹).

جمع‌بندی

حضرت خدیجه (س) بنت خویلد، فراتر از یک چهره خانوادگی در سیره نبوی، یک کنشگر تاریخی است که با موقعیت اقتصادی، جایگاه اجتماعی، هوشمندی در انتخاب و ایمان عمیق، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت بنیادهای اولیه اسلام ایفا کرد. بررسی دقیق منابع قرن‌های نخست اسلامی نشان می‌دهد که تصویر حضرت خدیجه (س)، برخلاف بسیاری از چهره‌های زن آن دوران، نه در حاشیه که در متن تاریخ قرار دارد. نگاه تحلیل‌گرانه به زندگی وی، می‌تواند فهم ما را از مناسبات اجتماعی، دینی و اقتصادی صدر اسلام بازتعریف کند.

حضرت خدیجه (س) در حافظه جمعی مسلمانان

مفهوم حافظه جمعی در مطالعات تاریخی

مفهوم «حافظه جمعی» نخستین بار توسط موریس هالباواکس جامعه‌شناس فرانسوی در نیمه نخست قرن بیستم مطرح شد و به سرعت در میان مورخان، روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران علوم انسانی به عنوان چارچوبی تحلیلی پذیرفته شد. حافظه جمعی، برخلاف حافظه فردی، توسط گروه‌ها و جوامع بازسازی می‌شود و نه صرفاً برای ثبت گذشته بلکه برای پاسخ به نیازهای حال و آینده آنها. به تعبیر هالباواکس، جوامع حافظه را می‌سازند تا تداوم هویتی و مشروعیت اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کنند (Halbwachs, 1992: p. 52).

در سنت اسلامی، حافظه جمعی را می‌توان در سطوح مختلفی چون نقل‌های تاریخی، متون حدیثی، ادبیات شعری، آیین‌های دینی و حتی نام‌گذاری نسل‌ها یافت. یکی از چهره‌های اصلی که در این حافظه نهادینه شده، حضرت خدیجه (س) بنت خویلد (س) است؛ زنی که با گذشت بیش از

چهارده قرن، همچنان یکی از ارکان حافظه دینی مسلمانان تلقی می‌شود. تحلیل این جایگاه، مستلزم بررسی چندلایه از اسناد روایی، تاریخی، تفسیری و مردمی است.

بازنمایی حضرت خدیجه (س) در متون روایی و تاریخی

در متون سنی و شیعه، حضرت خدیجه (س) نه تنها به عنوان نخستین بانویی که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد شناخته می‌شود، بلکه از محدود زنانی است که پیامبر اکرم (ص) همواره به نیکی از او یاد می‌کرد. در صحیح مسلم، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که می‌فرماید: «حضرت خدیجه (س) هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب کردند، و زمانی مرا یاری کرد که همه مرا وانهادند» (ابن حیون، ج ۳، ص ۲۰). این نقل در منابع سنی و شیعی به عنوان نشانه‌ای از وفاداری، تشخیص معنوی و پیشگامی حضرت خدیجه (س) تلقی شده است.

در منابع شیعی، روایات متعددی وجود دارد که حضرت خدیجه (س) را در کنار حضرت فاطمه زهرا (س)، آسیه همسر فرعون و مریم مادر عیسی (ع)، به عنوان برترین زنان عالم معرفی می‌کند (ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۳۹).

در منابع تاریخی، حضرت خدیجه (س) به عنوان بانویی بازرگان، خردمند، دارای رأی مستقل و ثروتمند تصویر شده است که اموال خود را در راه تثبیت اسلام بذل کرد. طبری در تاریخ الرسل و الملوک، با اشاره به نقش اقتصادی حضرت خدیجه (س)، او را عامل پایداری پیامبر اکرم (ص) در اوج فشارهای اقتصادی مکه می‌داند (طبری، ج ۲، ص ۲۸۳).

سازوکارهای حافظه‌ساز: روایت‌پردازی، مناسک و تکرار فرهنگی

حافظه جمعی حضرت خدیجه (س)، تنها در منابع رسمی نیامده، بلکه در فرهنگ عامه، آداب مناسکی، ادبیات شفاهی و حتی معماری و هنر اسلامی نیز تداوم یافته است. مراسم سالانه وفات حضرت خدیجه (س) در میان شیعیان با خطابه‌ها، مدایح و نقل روایات تاریخی همراه است که منبعث از همان روایت‌های اولیه‌اند، اما در قالب‌های احساسی و آیینی بازآفرینی می‌شوند.

در ادبیات نیز، شاعران اسلامی از سده‌های نخست تا عصر معاصر، حضرت خدیجه (س) را موضوع قرار داده‌اند. حضرت خدیجه (س) در کنار حضرت فاطمه (س) و علی بن ابی طالب (ع) به عنوان پایه‌های خاندان نبوت توصیف می‌شود. در ادبیات فارسی، در آثار حماسی چون روضه الشهداء بارها به بزرگی او اشاره شده است.

در حافظه شیعی، حضرت خدیجه (س) مادر امامت است و در حافظه سنی، نخستین بانوی اسلام. این تفاوت در صورت، اما در محتوا اشتراکاتی دارد که بنیان حافظه‌ای فرامذهبی را شکل می‌دهد.

مقایسه تطبیقی بازنمایی در منابع اهل سنت و شیعه

تحلیل مقایسه‌ای بین منابع اهل سنت و شیعه درباره حضرت خدیجه (س)، نشان‌دهنده لایه‌های حافظه‌ای متفاوت اما مکمل است.

حافظه جمعی، به مثابه نظامی فرهنگی-اجتماعی، نقشی اساسی در بازتاب و تثبیت شخصیت‌های کلیدی در سنت‌های دینی ایفا می‌کند. حضرت خدیجه (س) (س)، نخستین همسر پیامبر اکرم (ص) و اولین زنی که به دعوت او ایمان آورد، از جمله شخصیت‌هایی است که در ساختار حافظه مسلمانان جایگاهی شاخص دارد. با این حال، بررسی محتوای منابع تاریخی نشان می‌دهد که دو جریان شیعه و سنی در بازنمایی این چهره، از مسیرهای متفاوتی پیروی کرده‌اند؛ مسیری که ریشه در نوع نگاه این دو سنت به تاریخ، رسالت و نظام معنایی دین دارد.

حافظه اهل سنت

مطالعه منابع تاریخی اهل سنت، به ویژه در قرون نخستین هجری، نشان می‌دهد که شخصیت حضرت خدیجه (س) عمدتاً در سه نقش یا بُعد معرفی شده است: مشارکت اقتصادی با پیامبر اکرم (ص)، زندگی مشترک زناشویی، و همراهی او در آغازین سال‌های بعثت. در منابعی چون السیره النبویه ابن هشام، که متکی بر روایت‌های ابن اسحاق است، حضرت خدیجه (س) به عنوان تاجری ثروتمند به تصویر کشیده می‌شود که سرمایه‌اش را به پیامبر اکرم (ص) می‌سپارد تا برایش تجارت کند. این نوع همکاری در قالب قرارداد مضاربه تعریف شده است (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۸۸).

در مقابل، آثاری مانند انساب الأشراف تألیف بلاذری و الطبقات الکبری از ابن سعد، شکل دیگری از این ارتباط را ترسیم می‌کنند و پیامبر اکرم (ص) را وکیل حضرت خدیجه (س) در معاملات بازرگانی معرفی می‌کنند (بلاذری ج ۱، ص ۹۷؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۱۰۴). روایت‌های دسته سوم، به ویژه آنچه در منابعی مانند دلائل النبوة بیهقی و نقل‌های منسوب به واقدی آمده، بر استخدام پیامبر اکرم (ص) در قالب یک اجیر تأکید دارند. در این نقل‌ها، حتی به میزان اجرت دریافتی پیامبر اکرم (ص) در دو سفر تجاری اشاره شده است (بیهقی، ج ۲، ص ۶۶).

این تنوع در نقل‌ها، نشان‌دهنده آن است که حافظه اهل سنت درباره جایگاه شغلی و اجتماعی حضرت خدیجه (س)، به ویژه در تعامل با پیامبر اکرم (ص)، هنوز در مرحله تثبیت نبوده و میان دیدگاه‌های مختلف نوسان دارد.

در مورد ازدواج پیامبر اکرم (ص) و حضرت خدیجه (س) نیز روایت‌ها گاه از رویکردی مثبت و عقلانی پیروی کرده‌اند و گاه به جنبه‌هایی تخیلی و داستان‌محور نزدیک شده‌اند. برای نمونه، در نقل نفیسه بنت منیه، از تمایل شخصی حضرت خدیجه (س) به ازدواج با پیامبر اکرم (ص) و میانجی‌گری او یاد شده است (ابن سعد، ج ۱، ص ۱۰۵). اما در روایت‌هایی مانند آنچه واقدی نقل کرده، به داستانی

اشاره شده که حضرت خدیجه (س) با نوشاندن شراب به پدرش رضایت او را برای ازدواج جلب کرده است؛ داستانی که خود واقدی نیز در پایان آن را غیرواقعی دانسته است (همان، ص ۱۰۶). برخی منابع متأخر، مانند شرف المصطفی اثر خرگوشی، به طور گسترده از عناصر اسطوره‌ای و خیالی بهره می‌برند. در این متون، شاهد روایت‌هایی چون سایه‌انداختن فرشتگان بر پیامبر اکرم (ص)، پیش‌گویی راهب یا یهودی در بازار، و حضور زنان قریش در جشن‌ها برای آشنایی با پیامبر اکرم (ص) هستیم (خرگوشی، ج ۱، ص ۴۰۸-۴۱۵). این سبک از روایت‌پردازی، حافظه اهل سنت را از گزارش تاریخی صرف، به سمت نوعی حافظه فرهنگی با مؤلفه‌های داستانی سوق داده است.

حافظه شیعه

حضرت خدیجه (س) در منابع شیعه سیمای زنی پیشگام در ایمان، اقتصاد و همراهی نبوت است. براساس گزارش ابو الفرج اصفهانی، حضرت خدیجه (س) بنت خویلد از تبار قریش، زنی نجیب، شناخته شده و متعلق به خاندان برجسته‌ای بود (ابو الفرج اصفهانی، ج ۱، ص ۶۵). ورقه بن نوفل، پسرعموی حضرت خدیجه (س) که فردی خردمند و دین‌پژوه بود، به صورت عقلی و درونی به پیامبری محمد (ص) یقین یافته و حضرت خدیجه (س) را از ظهور او آگاه کرده بود (ابن عبد ربّه، ج ۳، ص ۲۷۱). زمانی که پیامبر اکرم (ص) به خواستگاری حضرت خدیجه (س) آمد، حضرت خدیجه (س) موضوع را با ورقه در میان گذاشت و ورقه در عبارتی پر معنا گفت: «او مردی است که کسی یارای مقابله با او را ندارد؛ با او ازدواج کن» (ابن عبد ربّه، ج ۷، ص ۹۶). حضرت خدیجه (س) زنی تاجر و ثروتمند بود و براساس گزارش منابع شیعی، پس از شنیدن ویژگی‌های اخلاقی و معنوی پیامبر اکرم (ص)، خود به او پیشنهاد ازدواج داد. او نه تنها ثروتش را در اختیار پیامبر اکرم (ص) قرار داد، بلکه علی (ع) را نیز از ابوطالب گرفت و به پیامبر اکرم (ص) سپرد تا نیکی‌های ابوطالب را جبران کند. در روایات آمده است که او نخستین زنی بود که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد، سپس پیامبر اکرم (ص) با علی (ع) خلوت کرد و او نیز ایمان آورد (ابن حیون، ص ۸۲). در نقل عسکری، از ماجرای تمایل حضرت خدیجه (س) به ازدواج با پیامبر اکرم (ص) به عنوان حرکتی برخاسته از بصیرت یاد شده است. هنگامی که یک یهودی خطاب به زنان قریش از ظهور پیامبری در میان آنان سخن گفت، تنها حضرت خدیجه (س) بود که این خبر را در دل نگه داشت و در هنگام بازگشت پیامبر اکرم (ص) از سفر شام، با دیدن نشانه‌ها، به یقین رسید که پیامبر موعود همان محمد (ص) است. او با شجاعت و انتخابی آگاهانه، خود به خواستگاری پیامبر اکرم (ص) رفت (عسکری، ص ۱۱۴).

ابوطالب در مراسم خواستگاری پیامبر از حضرت خدیجه (س) خطبه‌ای ایراد کرد که یکی از نمونه‌های فاخر بلاغت اسلامی است. در این خطبه، او پیامبر اکرم (ص) را از جهت شرافت نسبی،

برجستگی شخصیتی و آینده‌ای پرخطر و مهم ستود و اعلام کرد که حضرت خدیجه (س) نیز تمایل کامل به این ازدواج دارد (عسکری، ص ۱۱۴).

در منابع آمده‌است که پیامبر اکرم (ص) پیش از ازدواج با حضرت خدیجه (س)، پیشنهاد تجارت با سرمایه او را پذیرفت. غلام حضرت خدیجه (س)، میسره، در این سفر شواهدی از کرامت و عظمت معنوی پیامبر اکرم (ص) مشاهده کرد؛ از جمله اینکه راهبی در شام گفت هیچ‌کس جز پیامبر اکرم (ص) زیر آن درختی که محمد (ص) در سایه‌اش نشسته بود، توقف نمی‌کند. همچنین در شدت گرما، میسره دید که ابری بر سر پیامبر اکرم (ص) سایه می‌افکند (طبری، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ابن حیون، ج ۱، ص ۱۸۶).

پس از بازگشت از سفر، حضرت خدیجه (س) متوجه شد که سود تجارت با پیامبر اکرم (ص)، بی‌سابقه بوده‌است. او از میسره شنید که راهب او را به‌عنوان پیامبر شناخته، و نیز از کرامت‌هایی چون سایه‌افکنی ابر و فرشتگان. با توجه به این نشانه‌ها و تصدیق‌های قبلی ورقه بن نوفل، حضرت خدیجه (س) تصمیم گرفت به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد ازدواج دهد (ابن حیون، ج ۱، ص ۱۸۶). در منابع شیعه آمده که اسلام در آغاز تنها در سه نفر ظهور یافت: پیامبر اکرم (ص)، علی بن ابی‌طالب (ع)، و حضرت خدیجه (س) (س). حضرت خدیجه (س) نه‌تنها نخستین زن مسلمان بود، بلکه همواره در کنار پیامبر اکرم (ص) ایستاد، خانه‌اش را پناهگاه دعوت اسلامی ساخت و ثروتش را بی‌چشم‌داشت در راه خدا صرف کرد (ابن حیون، ج ۱، ص ۱۸۶).

در بسیاری از روایات تأکید شده که پیامبر اکرم (ص) تا سال‌ها پس از وفات حضرت خدیجه (س)، از یاد او خارج نشد و هر بار که نامش می‌آمد، از او با مهر و افتخار یاد می‌کرد. منابع از پیامبر اکرم (ص) می‌کنند که «حضرت خدیجه (س) بود که وقتی همه مرا تکذیب کردند، او به من ایمان آورد و مالش را در اختیار من گذاشت» (طبری، ج ۳، ص ۱۶۰).

نتیجه‌گیری (بر اساس نظریه حافظه جمعی)

براساس نظریه «حافظه جمعی» که توسط موریس هالبواکس مطرح شد، جوامع انسانی با برجسته‌سازی شخصیت‌ها و وقایع معنادار، حافظه‌ای مشترک و هویتی جمعی می‌سازند. بررسی منابع تاریخی اهل سنت نشان می‌دهد که حافظه این جریان، حضرت خدیجه (س) (س) را عمدتاً در سه نقش اقتصادی، همسری و همراهی با پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کند. در متونی مانند السیره النبویه، حضرت خدیجه (س) تاجری ثروتمند است که سرمایه‌اش را به پیامبر اکرم (ص) برای مبارزه می‌سپارد. در مقابل، منابعی چون انساب الأشراف و الطبقات الکبری پیامبر اکرم (ص) را وکیل یا اجیر او معرفی کرده‌اند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نوسان و عدم تثبیت حافظه جمعی اهل سنت در این زمینه است. در گزارش ازدواج نیز برخی روایات از خواستگاری حضرت خدیجه (س) سخن گفته‌اند، در حالی که برخی دیگر مانند روایت واقدی، بر عناصر غیرواقعی چون رضایت پدر با نوشاندن شراب تأکید دارند.

منابع متأخر مانند شرف المصطفی نیز با افزودن عناصر اسطوره‌ای، حافظه را از بُعد تاریخی به خاطره‌ای فرهنگی متمایل کرده‌اند

در سوی مقابل، حافظه جمعی شیعه تصویری منسجم، عقلانی و معنوی از حضرت خدیجه (س) ارائه می‌دهد. در این منابع، او زنی با بصیرت، تبار اصیل، پیشگام در ایمان و شریک فعال در دعوت پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌شود. نقل‌هایی چون توصیه ورقه بن نوفل و همراهی مالی و معنوی حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص)، جایگاه او را در آغاز بعثت برجسته کرده‌اند. همچنین، حضرت خدیجه (س) به‌عنوان نخستین مؤمن و پناه‌دهنده پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) شناخته شده و وفاداری پیامبر اکرم (ص) نسبت به او تا سال‌ها پس از وفاتش مورد تأکید قرار گرفته‌است. نتیجه اینکه حافظه اهل سنت، تصویری تاریخی اما متنوع، ناپایدار و گاه اسطوره‌ای از حضرت خدیجه (س) (س) بازتاب داده، در حالی که حافظه شیعه، تصویری منسجم، عقل‌گرا و معنوی از او ارائه کرده‌است که با مضامین کلیدی ایمان، همراهی نبوت و ولایت هم‌راستاست.

حضرت خدیجه (س) در حافظه زبانی، اسطوره‌ای و آیینی مسلمانان

افزون بر منابع مکتوب، در زبان و فرهنگ مسلمانان، نام حضرت خدیجه (س) رمز معنویت، بزرگواری و فداکاری است. نام‌گذاری دختران به نام «حضرت خدیجه (س)»، اشعار مادحانه، گنجانیدن نام او در خطبه‌های نکاح، و تزیین دیوار مساجد با آیات مربوط به زنان مؤمنه، همگی از نشانه‌های زنده بودن حافظه او هستند.

در ایران، عراق، مصر و شبه قاره هند، مجالس بزرگداشت حضرت خدیجه (س) نه تنها یک مراسم مذهبی، بلکه یک عمل فرهنگی حافظه‌ساز تلقی می‌شود که نه فقط گذشته را یادآوری می‌کند، بلکه به آن معنا و هویت امروزی نیز می‌بخشد.

بازتاب حضرت خدیجه (س) در نگاه مستشرقان

در مطالعات شرق‌شناسی معاصر، حضرت خدیجه (س) همواره به‌عنوان یکی از شخصیت‌های کلیدی در آغاز دعوت اسلامی مورد توجه بوده‌است. مستشرقان، با رویکردهای مختلف تاریخی، تفسیری و جامعه‌شناختی، به تحلیل جایگاه این شخصیت در سیره نبوی پرداخته‌اند. از میان آن‌ها، استواسر، مرنیسی، آبوت، آرمسترانگ، و گیورگیو از جمله پژوهشگرانی هستند که در آثار خود به نقش برجسته حضرت خدیجه (س) اشاره کرده‌اند.

استواسر با تمرکز بر منابع تفسیری، حضرت خدیجه (س) را در ردیف زنانی چون مریم و آسیه قرار می‌دهد که در قرآن به‌عنوان الگوهای ایمانی معرفی شده‌اند. وی با تحلیل آیات ۱۱-۱۲ سوره تحریم و آیه ۴۲ آل عمران، نشان می‌دهد که حضرت خدیجه (س) در سنت اسلامی، هم‌ردیف زنان برگزیده الهی دانسته شده‌است (Stowasser, 2003: 3/80-81).

از نگاه آبوت نیز حضرت خدیجه (س) نه تنها نخستین شخصی است که پیامبر اکرم (ص) را در مواجهه با وحی دلگرم ساخت، بلکه ثروت او از ارکان حیاتی حمایت از دعوت اسلامی به شمار می‌رفت. به عقیده وی، حضور ورقه بن نوفل در کنار حضرت خدیجه (س) نیز در زدودن تردیدهای آغازین پیامبر اکرم (ص) نقش مهمی داشته است (Abbott, 1942: 1/121-122).

کارن آرمسترانگ در اثر خود، حضرت خدیجه (س) را زنی خردمند، کارآفرین و دارای تدبیر معرفی می‌کند که به دلیل ویژگی‌های اخلاقی پیامبر اکرم (ص)، پیشنهاد همکاری تجاری را به او ارائه داد. وی همچنین می‌افزاید که حضرت خدیجه (س) نه تنها نخستین زن ایمان‌آورنده به پیامبر اکرم (ص) بود، بلکه در مقام مشاوره معنوی و عاطفی برای او عمل می‌کرد (Armstrong, 2003: 102, 109, 122, 123).

مونتگمری وات نیز در تحلیل خود، به فقر مالی پیامبر اکرم (ص) پیش از ازدواج با حضرت خدیجه (س) و نقش این ازدواج در تثبیت موقعیت اقتصادی ایشان اشاره دارد. به گفته او، انتخاب حضرت خدیجه (س) به عنوان شریک اقتصادی و سپس همسر، نقطه عطفی در سیر زندگی پیامبر اکرم (ص) بود (Wat, n. d.: 73).

گیورگیو در اثری با رویکرد روایی، به جنبه‌های احساسی و عاطفی رابطه پیامبر اکرم (ص) با حضرت خدیجه (س) پرداخته و تأکید می‌کند که پیامبر اکرم (ص) تا سال‌ها پس از وفات او، از این غم‌رهای نیافت. وی حتی از گزارش‌هایی چون نوشاندن شراب به پدر حضرت خدیجه (س) برای اخذ رضایت ازدواج نیز یاد می‌کند، گرچه این نوع روایت‌پردازی رنگی داستانی دارد (Georgiou, n. d.: 42-44).

مرنیسی در تحلیل‌های خود، حضرت خدیجه (س) را زنی با استقلال فکری، اقتصادی و معنوی می‌داند که به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد ازدواج داد و در تثبیت رسالت او نقش مهمی ایفا کرد. او به‌ویژه بر لحظه ایمان‌آوردن حضرت خدیجه (س) پس از دریافت اولین وحی تأکید دارد و این حمایت عاطفی را یکی از ارکان پیشبرد دعوت اسلامی می‌داند (Mernissi, 1380: 56, 175).

در مجموع، دیدگاه مستشرقان از حضرت خدیجه (س) تلفیقی از عناصر تاریخی، تفسیری و روان‌شناختی است. آنان با وجود تفاوت در رویکرد، بر سه محور تأکید دارند: مشارکت اقتصادی حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص)، حمایت عاطفی و روانی او در آغاز بعثت، و پیشگامی وی در ایمان‌آوردن و تثبیت نبوت. این نگاه‌ها، در کنار حافظه دینی مسلمانان، بُعدی مقایسه‌ای و تحلیلی به بازنمایی شخصیت حضرت خدیجه (س) در حافظه جهانی می‌بخشند.

جمع‌بندی و تحلیل نهایی

حضرت خدیجه (س) در حافظه مسلمانان، فراتر از یک شخصیت تاریخی، به مثابه یک «الگو» و «اسطوره» حضور دارد. تحلیل این حافظه نشان می‌دهد که روایات، تفسیرها، شعائر و ادبیات مذهبی،

به نحوی منسجم و پیوسته، تصویر حضرت خدیجه (س) را بازتولید کرده‌اند. این بازتولید، در دل اختلافات مذهبی، نقطه اتصال مشترکی میان مسلمانان سنی و شیعه فراهم کرده‌است. تحلیل حافظه حضرت خدیجه (س) در سطوح مختلف می‌تواند مدخلی برای درک کارکرد دین در ایجاد همبستگی اجتماعی، تقویت هویت دینی و بازسازی تاریخی گذشته باشد. همچنین این حافظه الگویی است برای فهم حضور مؤثر زنان در تاریخ صدر اسلام.

نتایج

مطالعه جایگاه حضرت خدیجه (س) بنت خویلد از منظری تاریخی-تحلیلی و با تمرکز بر حافظه جمعی مسلمانان، پرده از لایه‌هایی از تاریخ صدر اسلام برمی‌دارد که کمتر به آن‌ها پرداخته شده‌است. چهره حضرت خدیجه (س) نه فقط در تاریخ‌نگاری، که در ذهنیت تاریخی و عاطفی مسلمانان شکل گرفته و استمرار یافته‌است.

تحلیل بازنمایی شخصیت حضرت خدیجه (س) در منابع شیعه و اهل سنت، با تکیه بر چارچوب نظری حافظه جمعی (با الهام از موريس هالبواکس)، نشان می‌دهد که این شخصیت نه تنها در بستر تاریخ اسلام جایگاهی بنیادین دارد، بلکه در ساختار حافظه دینی، فرهنگی و آیینی مسلمانان نیز نقشی ماندگار و هویت‌ساز ایفا می‌کند.

در حافظه اهل سنت، بازنمایی حضرت خدیجه (س) غالباً بر بُعد تاریخی، حمایت اقتصادی از پیامبر اکرم (ص) و نقش او در آغازین سال‌های دعوت متمرکز است؛ با این حال، این روایت در مواردی با نوعی پراکندگی و گاه افسانه‌سازی مواجه است. در مقابل، حافظه شیعی، تصویری یکپارچه، قدسی و هدفمند از حضرت خدیجه (س) ارائه می‌دهد که در آن، او نه تنها شریک پیامبر اکرم (ص)، بلکه مقدمه‌ساز امامت و استمرار دین به شمار می‌آید.

این بازنمایی‌ها صرفاً در متون روایی و تاریخی محدود نمی‌مانند، بلکه در سطوح آیینی، زبانی، هنری، و فرهنگ عامه نیز بازتولید شده‌اند. از جمله، نام‌گذاری فرزندان، برگزاری آیین‌های دینی، بازتاب در خطابه‌ها و ادبیات دینی، و نیز حافظه زبانی در اصطلاحات و واژگان دینی، همه نشان از امتداد این حافظه در طول قرون دارند.

در نهایت، حضرت خدیجه (س) (س) در حافظه جمعی مسلمانان به الگویی فراتر از زمان و فرقه تبدیل شده‌است؛ الگویی از زن مؤمن، شریک راهبری در نهضت الهی، و حامی بی‌چون‌وچرای پیامبر اکرم (ص) در بحران‌های نخستین رسالت. این حافظه، در عین تفاوت‌های مذهبی، ظرفیتی برای بازبایی ارزش‌های مشترک، گفت‌وگوی بین‌فرقه‌ای، و ارتقای فهم تاریخی و معنوی مسلمانان فراهم می‌آورد. افزون بر این، تحلیل حاضر نشان داد که حضرت خدیجه (س) در زمره معدود زنانی است که حافظه تاریخی و حافظه آیینی را توانمند در بر گرفته‌است؛ یعنی هم در اسناد و هم در آیین‌ها، هم در تاریخ رسمی و هم در حافظه مردمی، حضوری تأثیرگذار دارد.

پیشنهاها

۱. وسعه پژوهش‌های تطبیقی حافظه‌ای: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی مشابه درباره سایر زنان تأثیرگذار صدر اسلام مانند حضرت فاطمه (س)، ام‌سلمه یا نسیمه دختر کعب انجام شود تا موقعیت زنان در حافظه دینی روشن‌تر گردد.
۲. تحلیل گفتمان روایی درباره حضرت خدیجه (س): با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان، می‌توان به شناسایی جهت‌گیری‌های پنهان در متون تاریخی و حدیثی درباره حضرت خدیجه (س) پرداخت و لایه‌های معناشناختی بیشتری را کشف کرد.
۳. مطالعات تطبیقی با سنت‌های دینی دیگر: بررسی تطبیقی حافظه زنان قدیسه در اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی (مانند حضرت مریم در مسیحیت) می‌تواند به درک بهتری از نقش حافظه دینی در ساخت هویت دینی بینجامد.
۴. کاربرد حافظه در تربیت دینی: می‌توان از الگوهای حافظه‌ای همچون حضرت خدیجه (س) در آموزش معارف اسلامی، تربیت دختران و ایجاد الگوهای هویتی مؤمنانه بهره برد.

منابع

- آرمسترانک، کارن، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش حجتی، حکمت، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ابن اسحاق، محمد، سيرة ابن اسحاق، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۶۸ ه. ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، قم-ایران، ۱۳۶۳ ه. ش.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار. م ۳۶۳ ه. ق، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۰۹ ه. ش.
- _____، المناقب و المثالب، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت-لبنان، ۱۴۲۳ ه. ق.
- ابن سعد محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، دار الکتب العلمية، بیروت-لبنان، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، صبح پیروزی، بیروت-لبنان، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، م ۳۲۸ ه. ق، العقد الفريد، دار الکتب العلمية، بیروت-لبنان، ۱۴۰۷ ه. ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، م ۲۷۶ ه. ق، المعارف، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره-مصر، ۱۹۹۲ م.
- ابن هشام، عبد الملك بن هشام، م ۲۱۳ ه. ق، السيرة النبوية، دار المعرفة، بیروت-لبنان، بی تا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، م ۳۵۶ ه. ق، فرزندان ابوطالب، علی اکبر علمی، تهران-ایران، ۱۳۳۹ ه. ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، م ۲۷۹ ه. ق، أنساب الأشراف، دار المعارف، مصر، بی تا.
- بیهقی، احمد بن حسین، م ۴۵۸ ه. ق، دلائل النبوة، دار الکتب العلمية، بیروت-لبنان، ۱۴۰۵ ه. ق.
- خرگوشی، عبدالملک بن محمد، م ۴۰۷ ه. ق، شرف المصطفی، دار البشائر الإسلامية، مکه مکرمه-عربستان، ۱۴۲۴ ه. ق.
- طبری، محمد بن جریر، م ۳۱۰ ه. ق، تاریخ الأمم و الملوک، بی تا، بیروت-لبنان، بی تا.
- طبری مامطیری، علی بن مهدی، م ۳۶۰ ه. ق، نزهة الأبصار و محاسن الآثار، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران-ایران، ۱۳۸۷ ه. ش.

عسکری، حسن بن عبد الله، م ۳۹۵ هـ. ق، الأول، دار البشير، طنطا-مصر، ۱۴۰۸ هـ. ق.
 مونتگمری وات، محمد در مکه، ترجمه شعبان برکات، مکتبه العصریه للطباعه و النشر، بیروت، بی تا.
 ویرژیل، گیورگیو کنستانتین، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، ترجمه:
 مهرداد صمدی، انتشارات آسیا، تهران، بی تا.
 یعقوبی احمد بن اسحاق، م ۲۸۴ هـ. ق، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت-لبنان، بی تا.

References

- Abbott, N. (1942). Women and the state in early Islam. *Journal of Near Eastern Studies*, 1 (1) , 106-126.
- Abu al-Faraj al-Isfahani, 'Ali b. Ḥusayn. (1960). *Furūzān Abū Ṭālib*. Tehran: 'Ali Akbar 'Ilmi Press. (in Persian)
- Armstrong, K. (2004). *Muhammad: Biography of the Prophet of Islam* (K. Hojjati, Trans.). Tehran: Hikmat. (in Persian)
- 'Askarī, Ḥasan b. 'Abdullah. (1988). *Al-Awā'il*. Ṭanṭā (Egypt): Dār al-Bashīr. (in Persian)
- Balādhurī, A. b. Yaḥyā. (n. d.). *Ansāb al-ashraf*. Cairo: Dār al-Ma'ārif. (in Arabic)
- Bayhaqī, A. b. Ḥusayn. (1985). *Dalā'il al-nubuwwah*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (in Arabic)
- Georgiou, C. V. (n. d.). *The life of Muhammad: The Prophet Muhammad reconsidered* (M. Samadi, Trans.). Tehran: Asia Publishing. (in Persian)
- Halbwachs, M. (1992). *On collective memory* (L. A. Coser, Trans.). Chicago: University of Chicago Press. (Original work published 1950)
- Ibn 'Abd al-Barr, Y. b. 'Abdullah. (1991). *Al-Isti'āb*. Beirut: Sobḥ Pirouzi. (in Arabic)
- Ibn 'Abd Rabbih, A. b. Muhammad. (1986). *Al-Iqd al-Farīd*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (in Arabic)
- Ibn Abi Ishaq, Muhammad. (1989). *Sīrat Ibn Ishāq*. Qom: Office for the Study of Islamic History and Teachings. (in Arabic)
- Ibn Babawayh, M. b. 'Alī. (1984). *Man lā yaḥḍuruhu al-faqīh*. Qom: Al-Madrasah al-'Ulamā', Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
- Ibn Ḥayyūn, N. b. Muhammad. (1988). *Sharḥ al-akhbār fī faḍā'il al-a'imma al-aṭḥār*. Qom: Al-Madrasah al-'Ulamā', Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
- Ibn Ḥayyūn, N. b. Muhammad. (2002). *Al-Manāqib wa al-Mathālib*. Beirut: Al-A'lamī Publications. (in Arabic)

- Ibn Hishām, ‘Abd al-Malik. (n. d.). *Al-Sīrah al-nabawiyyah*. Beirut: Dār al-Ma‘rifah. (in Arabic)
- Ibn Qutaybah, ‘Abdullah b. Muslim. (1992). *Al-Ma‘ārif*. Cairo: General Egyptian Book Organization. (in Arabic)
- Ibn Sa‘d, Muhammad. (1989). *Al-Ṭabaqāt al-kubrā*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya. (in Arabic)
- Khargūshī, ‘Abd al-Malik b. Muhammad. (2003). *Sharaf al-Muṣṭafā*. Mecca: Dār al-Bashā‘ir al-Islamiyya. (in Arabic)
- McAuliffe, J. D. (2002). Fāṭima. In J. D. McAuliffe (Ed.) , *Encyclopaedia of the Qur’ān* (Vol. 2, p. 192-194). Leiden: Brill.
- Mernissi, F. (2001). *Zanan Pardah-nashin va Nokhbegan Jushanpush (Veiled women and clad elite)* (M. Maqazhahi, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian)
- Ricoeur, P. (1984). *Time and narrative* (Vol. 1, K. McLaughlin & D. Pellauer, Trans.). Chicago: University of Chicago Press.
- Stowasser, B. F. (2003a). Khadīja. In J. D. McAuliffe (Ed.) , *Encyclopaedia of the Qur’ān* (Vol. 3, p. 80-81). Leiden: Brill.
- Stowasser, B. F. (2003b). Mary. In J. D. McAuliffe (Ed.) , *Encyclopaedia of the Qur’ān* (Vol. 3, p. 288-296). Leiden: Brill.
- Ṭabarī, ‘Alī b. Maḥdī al-Mamṭūrī. (2008). *Nuzhat al-abṣār wa maḥāsīn al-āthār**. Tehran: World Assembly for the Proximity of Islamic Schools. (in Arabic)
- Ṭabarī, Muhammad b. Jarīr. (n. d.). *Tārīkh al-umam wa al-mulūk*. Beirut: [Publisher not identified]. (in Arabic)
- Watt, W. M. (n. d.). *Muhammad in Mecca* (Sh. Barakat, Trans.). Beirut: Maktabat al-‘Asriyya. (in Persian)
- Ya‘qūbī, Aḥmad b. Ishāq. (n. d.). *Tārīkh al-Ya‘qūbī*. Beirut: Dār Ṣādir. (in Arabic).